

# اعتراض‌ها و واکنشی به غیبت دولت بود

ریشه‌ها و پیامدهای وقایع اخیر  
در گفت‌وگو با فاطمه صادقی  
جامعه‌شناس



مرتضی گل‌پور

روزنامه‌نگار

## اعتراضات دی ماه ۹۶، آبان ماه ۹۸ و افراد حاضر در آن ارائه می‌کنید؟

درباره اعتراضات آبان ماه ۹۸ و دی ماه ۹۶ تحلیل‌های بسیاری ارائه شد که من به چند مورد از آنها اشاره می‌کنم و سپس دیدگاه و صورت‌بندی خود را برای فهم اعتراضات مطرح خواهم کرد و توضیح خواهم داد که چگونه می‌توان این رویداد را با اتفاقات دی ماه ۹۶ پیوند داد.

یکی از تحلیل‌ها از سوی آقایان یوسف ابادی و آرمان ذاکری در سایت نقد اقتصاد سیاسی منتشر شد. این دوستان تلاش کردند با تأکید بر نولیبرالیسم نشان دهند که با وجود جهانی بودن پروژه نولیبرالیسم، این پروژه در ایران با درهم‌تنیدگی با حکومت دینی، بویژه از پایان جنگ به این طرف، به حذف طبقات مختلف اجتماع منجر شده است. به باور این تحلیلگران هر چند ممکن است معتضان مشخصاً به مفاهیمی مانند نولیبرالیسم اشاره نکنند، اما اعتراضات آنها در واقع واکنشی است به وضعیتی که در زندگی خود لمس می‌کنند. برداشته شدن پارانه‌های سوخت، از بین رفتن بسیاری از سیاست‌های رفاهی، بیکاری، فقدان چشم‌انداز بهبود زندگی و حاشیه‌نشینی مؤلفه‌هایی است که مؤید رویکرد این دوستان برای فهم اعتراضات اخیر در قالب نولیبرالیسم است. در واقع نولیبرالیسم مد نظر این دوستان به معنای عقب‌کشیدن دولت از سیاست‌های رفاهی، کالایی شدن بسیاری از حوزه‌های زندگی از جمله نیروی کار، بهداشت، آموزش و نیز محیط زیست و به یک معنا شهروندزدایی از جامعه و کوچک‌سازی دولت است. این سیاست که در سه دهه در حال اجرا است، واکنش جامعه را به دنبال داشته است. این واکنش در اوایل دهه ۷۰ به صورت شورش‌های اسلام‌شهر و اراک بروز کرد، در دی ماه ۹۶ ادامه آنان اعتراضات و اکنون نیز در آبان ۹۸ به صورت دیگری بروز یافته است. همین‌جا اشاره کنم که به نظر من، استفاده از مفهوم نولیبرالیسم یک قدم رو به جلو در حوزه روشنفکری ما محسوب می‌شود. زیرا ما را از چنبره برخی واژگان و مفاهیمی که چهار دهه بر علوم انسانی و اجتماعی ایران غلبه داشته و قادر نیستند چیزی را تبیین کنند، نجات می‌دهد. اما ما باید اضافه کنم که با وجود قابلیت‌های مفهوم نولیبرالیسم، معتقدم به کارگیری این مفهوم در زمینه ایران، نواقصی هم دارد که باعث می‌شود ما در به کارگیری موسع مفهومی از این

در اعتراض‌های آبان ماه یک اتفاق بزرگ افتاد؛ پایه‌های دولت به عنوان یکی از دونهادهای که با رأی مستقیم مردم برگزیده می‌شود، لرزید. اما ساده انگارانه است اگر این رویداد تنها به اجرای ناگهانی اصلاح قیمت بنزین ربط داده شود. زوال و تحلیل قدرت آن به عنوان یکی از مظاهر اراده مستقیم ملت، محصول فرآیندی طولانی است، فرآیندی که در تاریخ دولت مدرن در ایران می‌توان نمونه‌هایی برای آن یافت. اما فاطمه صادقی این زوال را ذیل مفهوم نولیبرالیسم صورت‌بندی می‌کند، هر چند او این دیدگاه مکمل را ارائه می‌کند که این زوال فراتر از آن چیزی است که برخی منتقدان نولیبرالیسم نسبت به تحولات رویکردی دولت ارائه می‌کنند. به عبارت دیگر، او نیز همچون منتقدان نولیبرالیسم معتقد است که در سال‌های اخیر دولت‌ها در جمهوری اسلامی از سیاست‌های رفاهی عقب‌نشینی کرده‌اند، اما این عقب‌نشینی از این سطح فراتر رفته و در نهایت به اضمحلال نهاد دولت در معنای STATE منتهی شود. به باور صادقی، معتضان آبان ۹۸ و دی ماه ۹۶، شاید مستقیماً به این مسأله اشاره نکنند، اما آنچه غایت اعتراض آنان محسوب می‌شود، غیبت عقل دولت به نام اداره همه امور جامعه از دولت، مجلس و قوه قضائیه است. گفت‌وگو با این پژوهشگر اجتماعی و مسائل زنان را در ادامه بخوانید.

■ جامعه‌شناسان دیدگاه‌های مختلفی، به‌طور کلی درباره فرآیندهای اجتماعی و بالاخص اعتراضات اخیر داشتند. آقای فاضلی اصطلاح چیزباختگان را مطرح کرد، به این معنی که مردم ایران هریک چیزی باخته‌اند، آقای تاجیک معتقد است دی‌ماه و آبان ماه، لحظاتی است که این چیزباختگان به هم می‌رسند. آقای آزادارمکی هم معتقد است که معتضان از قشر پایین طبقه متوسط و قشر بالای طبقه پایین هستند. در کنار این‌ها، آقای مجاهدی معتقد است ما با یک طبقه عمودی بی‌قرار مواجه هستیم که در حضيض زندگی به سر می‌برد. شما چه طبقه‌بندی از